

شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران
حوزه علمیه کوثر علی آبادکتول

موضوع:

اصول دعوت به نماز در سوره لقمان

گردآورنده:

فاطمه فدایی پور

پاییز ۹۷

چکیده:

نوشتار حاضر با موضوع " اصول دعوت به نماز در سوره لقمان " با هدف بررسی راهکارهای دولت به نماز " به رشته تحریر در آمده است ؛ برای رسیدن به این هدف، با استفاده از منابع کتابخانه ای به روش توصیفی و تحلیلی به جمع آوری مطالب از طریق فیش برداری پرداخته شده است، که در این راستا از مهمترین یافته های تحقیق میتوان به این موارد اشاره کرد : بیشترین روایات فروع دین، درباره نماز است. ، پدرها و مادرها باید در دعوت به نماز اصولی را رعایت کنند.

کلید واژ: نماز،سوره لقمان، اصول دعوت

بسم الله الرحمن الرحيم

هر مکتبی از دو بخش تشکیل شده است:

اول - اعتقادات و معارف نظری

دوم - تکالیف و دستورات عملی

مجموعه اعتقادات اسلام را «اصول دین»^۱ می گویند و مجموعه تکالیف اسلام را «فروع دین» می گویند. نماز چون از «اعتقادات فکری» نیست جزء اصول دین نیست و چون از مجموعه «تکالیف انجام دانی» است، جزء فروع دین می باشد.

البته نماز با اعتقادات رابطه عمیقی دارد به طوری که در سوره حمد نماز از قیامت (معاد) سخن گفته می شود و در تشهد نماز، به یگانگی خداوند (توحید) و رسالت پیامبر اکرم (نبوت) شهادت داده می شود. قرآن قانون اساسی اسلام می باشد و در قانون اساسی - همان گونه که از اسم آن پیداست - اصول اساسی بیان می شود نه جزئیات. انتظار بیان مصادیق و جزئیات در قرآن، مانند انتظار بیان همه جزئیات در کتاب قانون اساسی کشور است.

اگر قرآن در هر موضوعی وارد جزئیات شود و به همه سؤالات پاسخ دهد، از کتاب واحد بودن خارج شده و دائره المعارف قطوری می گردد که استفاده از آن سخت می شود، ضمن آنکه فروع مسائل، بر حسب زمان و مکان و شرائط افراد، دچار دگرگونی می شوند و حکم ثابتی برای همه موارد وجود ندارد.

روش قرآن بیان اصول عمومی است و بیان مصادیق و جزئیات غالباً بر عهده پیامبر گرامی (ص) می باشد. ایشان دو وظیفه داشتند تلاوت آیات قرآن برای مردم و بیان مصادیق و جزئیات اصول قرآن. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۲ خداوند می فرماید: «لِتُبَيِّنَ» و نمی گوید: «لِتَقْرَأَ» یا «لِتَتْلُوا» یعنی پیامبر (ص) علاوه بر تلاوت، باید مصادیق و جزئیات را روشن کند.

قرآن به صورت قانون کلی می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ». اما اینکه چند نماز بخوانیم و هر کدام چند رکعت باشد و کیفیت خواندن آن چگونه باشد؟ این وظیفه پیامبر است.

^۱ - اصول دین توحید، نبوت و معاد است.

^۲ - «و قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی و آشکار سازی، شاید آنان بیندیشند.» نحل (۱۶)، آیه ۴۴

اهمیت نماز در نگاه معصومین:

(۱) تعداد روایات نماز:

هر یک از تکالیف شرعی به گروه خاصی از بندگان تعلق می گیرد یا در شرایطی خاص تکلیف برداشته می شود؛ مثلاً خداوند «روزه» را از بیمار و مسافر برداشته است. «خمس» و «زکات» و «حج» بر کسانی که قدرت مالی ندارند واجب نیست. زنان و پیرمردان از «جهاد» معاف هستند. اما نماز در زمان ترس و امنیت و روز و شب، در تمامی ماههای سال بر انسان آزاد و برده، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر و... واجب است. بیشترین روایات فروع دین، درباره نماز است. دو کتاب «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» که شامل تمامی احادیث فقهی شیعه است، مجموعاً پنجاه و نه هزار روایت دارد و از این تعداد تقریباً نوزده هزار آن مربوط به نماز است که تقریباً یک سوم روایات فقهی شیعه است.^۳

(۱) شناخت حق نماز:

امام سجاد (ع) فرمود: و حق نماز این است که بدانی که آن کوچ کردن به سوی خداوند عزّ و جلّ است و تو در هنگام نماز در برابر خدای عزّ و جلّ ایستاده‌ای. وقتی این معنی و موقعیت را دانستی، در موضع بنده‌ای می‌ایستی که ذلیل و بی‌مقدار و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و فروتن و التماس‌کننده است و خداوند تعالی را که در برابر او ایستاده است با سکون و وقار خود، بزرگ می‌دارد و در این حال از صمیم قلب به نماز رو می‌آوری و آن را با حدود و حقوقش به‌پا می‌داری

(۱) رسول خدا (ص):

همسر آن حضرت می‌گوید: قبل از نماز با پیامبر (ص) صحبت می‌کردیم و او نیز سخن می‌گفت؛ ولی هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید (سخن با ما را رها می‌کرد) گویا اصلاً نه ما او را می‌شناسیم نه او ما را می‌شناسد.^۴

ایشان می‌فرمود: «همانا خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود و.. من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم»^۵ و با این که بی‌گناه بود اما از خوف خداوند چنان در نماز می‌گریست که جانمازش خیس می‌شد.^۶

۳ - محمد وحیدی، دانستنی‌های لازم از نماز؛ ص ۲۴

۴. وَ قَالَتْ عَائِشَةُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحَدِّثُنَا وَ نُحَدِّثُهُ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ نَعْرِفْهُ. (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸).

۲. اصل موعظه «وَهُوَ يَعِظُهُ»

این فراز از آیه نشان می دهد که گفتگوی حضرت لقمان با فرزندش در حال موعظه بوده است و یکی از بهترین راه ها برای صحبت کردن با نوجوانان و حتی جوانان^{۲۹}، حالت موعظه است، البته در سوره نحل^{۳۰} برای موعظه شرط گذاشته و می فرماید: موعظه باید «حسنة» باشد، از این تعبیر استفاده می شود که موعظه اگر «حسنة» نباشد نه تنها نتیجه نمی دهد بلکه ممکن است نتیجه معکوس بدهد و موعظه حسنة، موعظه ای است که با اخلاص، بامحبت و بدون خشونت باشد، مخفیانه، بدون تحقیر و بدون برتری طلبی باشد.

۳. اصل تصحیح اعتقادات توحیدی «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»

یکی از وظایفی که گاهی مورد غفلت پدر و مادر قرار می گیرد، تصحیح اعتقادات فرزندان است، حضرت لقمان قبل از آنکه فرزندش را به نماز دعوت کند، اعتقاداتش را درست می کند، اگر اعتقادات فرزند قوی نباشد، به راحتی از خواندن نماز در مدرسه و پوشیدن چادر در دانشگاه دست برمی دارد و این وظیفه سنگین بر عهده والدین است.

۴. اصل استدلال و قانع کردن مخاطب «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»

جمله «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» دلیل «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» است^{۳۱}، حضرت لقمان بعد از اینکه فرزندش را از شریک جستن برای خدا نهی می کند، علت آن را نیز بیان کرده و می گوید: زیرا شرک ورزیدن به خدا قطعاً ظلم بزرگی است، والدین نیز اگر فرزند را به نماز دعوت می کنند، باید پاسخگوی آنان نیز باشند، اگر سؤال می شود چرا باید نماز بخوانیم و یا چرا باید نماز را فارسی بخوانیم، این پدر و مادر هستند که باید جوابگوی فرزند باشند، همانطور که حضرت لقمان به عنوان یک پدر اینچنین بود.

^{۲۹} فرزند لقمان جوان است که به او توحید و معاد را می آموزد.

^{۳۰} نحل: ۱۲۵؛ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و موعظه نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.

^{۳۱} در آیات قرآن جمله هایی که با «إِنَّ» شروع می شود در بسیاری از جاها تعلیل و دلیل حکمی است که قبل از آن بیان شده است مانند: عنکبوت/ ۴۵ «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»، زمر/ ۵۳ «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»

در آیات قرآن قبل اقامه نماز، ایمان به غیب مطرح شده است «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^{۳۲} یعنی باید تصحیح اعتقادات قبل از اقامه نماز باشد، حضرت لقمان نیز قبل از دستور فرزند به نماز، اعتقادات توحیدی و سپس اعتقادات معادی فرزند را تصحیح می کند، در آیه ۱۶ به فرزندش معاد را یادآور شده و می فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» پسر! اگر عمل هم وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد؛ زیرا یقیناً خدا دقیق و آگاه است.

۶. اصل محبت «یا بُنَيَّ»

حضرت لقمان قبل از دستور فرزند به نماز، او را با نهایت محبت خطاب کرده و می فرماید: «یا بُنَيَّ»، در این خطاب سه نکته وجود دارد که نشان دهنده محبت حضرت لقمان به فرزند است؛

الف: از کلمه «یا» در «یا بُنَيَّ» اصل گفتگو استفاده می شود که در اصل اول به آن اشاره شد و بر محبت دلالت می کند

ب: از وزن تصغیر نیز محبت استفاده می شود، زیرا وزن تصغیر «بُنَيَّ؛ فرزندکم» همیشه برای فرزند کوچک استفاده نمی شود، زیرا همانطور که در پاورقی بالا گفته شد فرزند لقمان کوچک نیست بلکه بزرگ است که به او توحید و معاد یادآوری می شود و تصغیر در اینجا بخاطر قراردادادن فرزند بزرگ به منزله فرزند کوچک است و این کنایه از شفقت و محبت به فرزند است^{۳۳}.

ج: از اینکه حضرت لقمان فرزند را به خود نسبت داده و می فرماید: «بُنَيَّ؛ فرزندکم» و نفرمود: ای فرزند، باز هم محبت فهمیده می شود، این روشی است که خداوند هم وقتی گنهکاران را خطاب می کند، از همین روش استفاده کرده و آن ها را به خود نسبت می دهد: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»^{۳۴} ای بندگان من که علیه خویش اسراف کردند، از رحمت خدا نومید نشوید.

۷. اصل اقتدار «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

^{۳۲} بقره: ۳.

^{۳۳} التصغیر فيه لتنزیل المخاطب الكبير منزلة الصغير کنایة عن الشفقة به و التحبب له «التحریر و التنویر، ج ۲۱،

ص: ۱۰۱»

^{۳۴} زمر: ۵۳.

فعل «أَقِمِ» امر است و امر دلالت بر اقتدار می کند و با خواهش، تمنا و التماس کاملاً متفاوت است، آنچه در دعوت به نماز سفارش شده است، امر است: خداوند به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^{۳۵}، در حالات حضرت اسماعیل می خوانیم: «وَوَكَانَ يُأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» حضرت لقمان نیز از همین امر استفاده کرده و فرزندش را به نماز امر می کند.

تذکر: اگر به فرزند فقط محبت کرد، فرزند لوس و نر تربیت می شود و اگر با او فقط با اقتدار رفتار کرد، فرزند عقده ای بار می آید و اگر می خواهیم فرزند نه لوس شود و نه عقده ای، باید در اوج محبت با اقتدار با او رفتار کرد و جالب اینکه باید محبت انسان بر اقتدار او مقدم باشد.

۸. اصل آگاهی

از اینکه حضرت لقمان با معلومات کافی فرزندش را به نماز دعوت می کند، استفاده می شود که والدین هم برای دعوت فرزند به نماز باید معلومات و اطلاعات کافی داشته باشند، در سوره یوسف می خوانیم: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ بَغْوًا ۖ طَرِيقَهُ مَنْ وَ يَرْوَانِي هَمِينَ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^{۳۶} با بینایی و بصیرت دعوت کنیم» اگر کسی می خواهد دیگران را به نماز دعوت کند، اول باید خودش بصیرت داشته باشد و سپس آن بصیرت را در دیگران به وجود آورد، اگر پدر و مادر خودشان از اهمیت نماز، آثار نماز و عواقب ترک و سهل انگاری درباره نماز اطلاعی نداشته باشند، چگونه می توانند فرزندشان را به نماز دعوت کنند؟!!

۹. اصل تدریج

از سیر دعوت حضرت لقمان استفاده می شود که دعوت باید با اصل تدریج همراه باشد، ابتدا باید عقاید را محکم کرد و سپس به اعمالی مثل نماز و امر به معروف امر کرد، در اعتقادات توحید باید مقدم بر معاد باشد و در اعمال نیز نماز باید مقدم بر امر به معروف و نهی از منکر باشد.

از روایات نیز استفاده می شود که دعوت فرزند به نماز باید با اصل تدریج همراه باشد

عبد الله بن فضاله گوید از امام پنجم یا ششم شنیدم می فرمود: چون پسر بچه سه سالش شد به او هفت بار تلقین کنند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و او را واگذارند.

چون سه سال و هفت ماه و بیست روز شد، هفت بار به او تلقین کنند «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و او را گذارند.

زمانی که چهار ساله شود، هفت بار «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» به او تلقین کنند و او را واگذارند.

^{۳۵} طه: ۱۳۲.

^{۳۶} یوسف: ۱۰۸.

وقتی که پنج ساله شود، از او بپرسند کدام دست راست تو و کدام دست چپ تو است؟ چون آن را بداند به سوی قبله‌اش وادارند و به او گویند سجده کند و او را واگذارند.

و چون شش سالش تمام شود نماز بخواند و رکوع و سجود به او تعلیم داده شود.

زمانی که هفت سالش تمام شود به او گویند صورت و دستت را بشوی و چون شست به او گفته شود نماز بخوان و پس بگذارند نه سالش تمام شود و پس از تمام نه سال وضوء باو آموزند و اگر مسامحه کند او را برای یاد گرفتن آن بزنند و دستور نمازش دهند و برای آن او را بزنند و چون وضوء و نماز آموخت خدا او را و پدر و مادرش را پیامرزد ان شاء الله تعالی.

نتیجه :

بیشترین روایات فروع دین، درباره نماز است. ا نماز در زمان ترس و امنیت و روز و شب، در تمامی ماههای سال بر انسان آزاد و برده، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر و... واجب است. حضرت لقمان در آیه ۱۷ فرزندش را به نماز دعوت می کند: «یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» ولی باید توجه داشت دعوت به نماز اصولی دارد که ایشان در آیات قبل آن ها را رعایت کرده و همه پدرها و مادرها نیز باید آن اصول را رعایت کنند.

فهرست منابع :

قران کریم

استفاد از منابع حدیثی